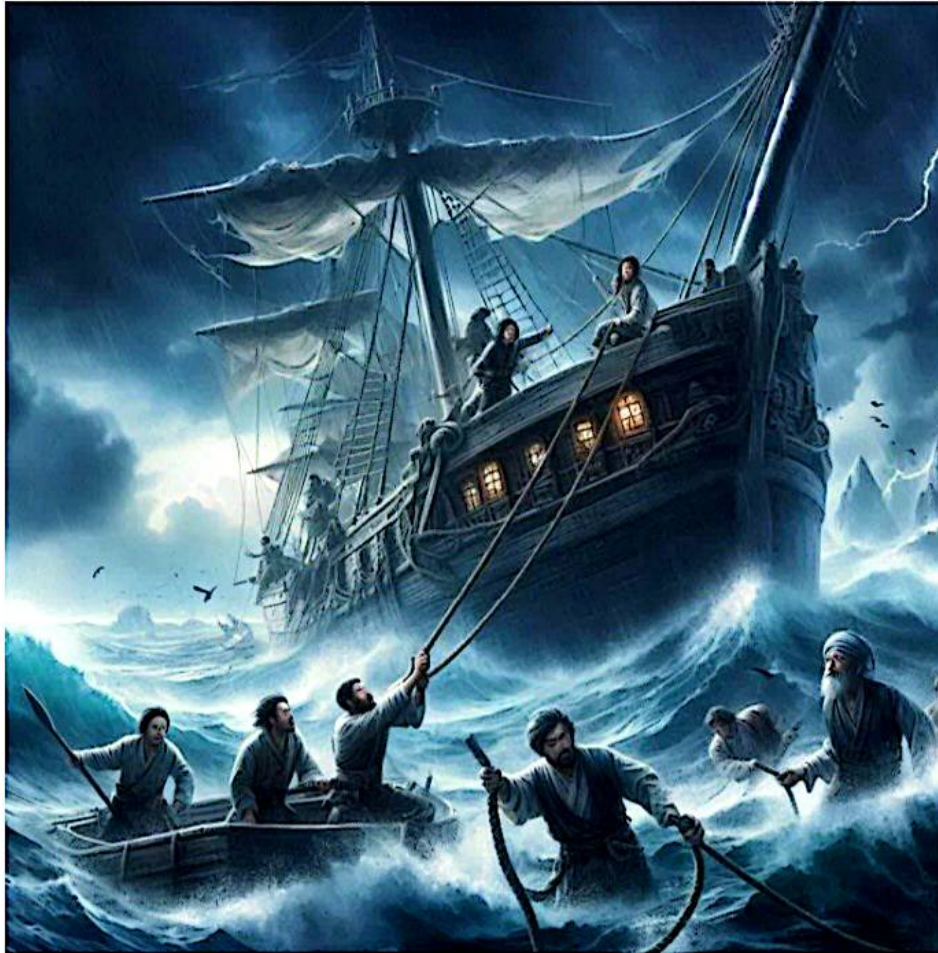



سکان دار سرنوشت



در دل اقیانوس آرام، کشتی بزرگ ناجی در حال سفر به مقصدی دورافتاده بود. این کشتی با تیمی از ملوانان و متخصصان ماهر شامل کاپیتان سهراب، مهندس نرگس، دکتر امیر و کاپیتان دوم مریم هدایت می‌شد. مأموریت آن‌ها این بود که محموله‌ای حیاتی شامل ۶۴ بسته ۸۰ تایی قرص را به یک جزیره ی دور افتاده تحویل دهند.

چهار ماه از شروع سفر آنها گذشته بود که در یک شب طوفانی در فصل پاییز، هنگامی که کشتی به نیمه‌های دریا رسید، باران شدیدی شروع به باریدن کرد و بادهای قوی کشتی را به شدت تکان می‌داد. امواج بزرگ دریا به کشتی ضربه می‌زدند و وضعیت به سرعت بحرانی شد. به نظر می‌رسید که کشتی به سمت یک صخره بزرگ که در آن قرار داشت، در حال



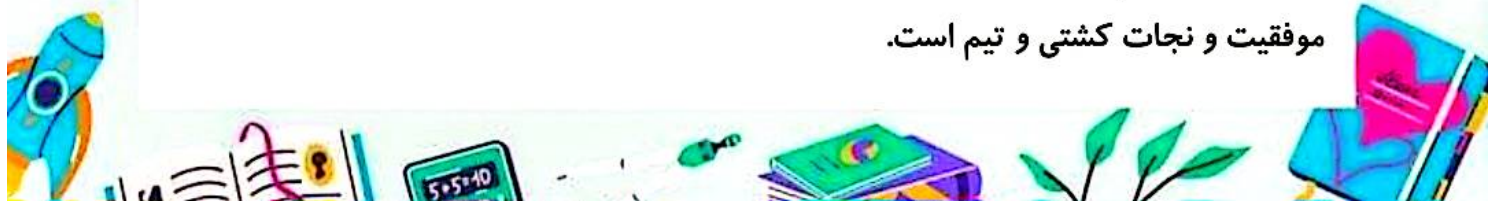
انحراف است. کاپیتان سهراب با آرامش و تمرکز فرمان داد: "مهندس نرگس، باید هر چه سریع‌تر وضعیت موتور را بررسی کنی و مشکلات را برطرف کنی. دکتر امیر، آماده باش تا در صورت نیاز افراد را تیمار کنی. کاپیتان مریم، در حال حاضر مسئولیت‌های دیگر را به عهده بگیر و برای کنترل وضعیت کمک کن."

نرگس، به عنوان مهندس، به سرعت به اتاق موتور رفت. او متوجه شد که سیستم هدایت کشتی به دلیل طوفان دچار اختلال شده و نیاز به تعمیر فوری دارد. نرگس با دقت و تخصص خود شروع به تعمیر سیستم کرد، در حالی که کشتی به شدت در حال نوسان بود. امیر، که دکتر کشتی بود، آماده شد تا در صورت بروز مشکلات پزشکی، کمک‌های لازم را ارائه دهد. او به دقت وضعیت تیم را بررسی کرد و تجهیزات پزشکی را در دسترس قرار داد. مریم، به عنوان کاپیتان دوم، با مهارت و مسئولیت‌پذیری به مدیریت کشتی پرداخت. او با استفاده از ابزارهای ناوبری و سیستم‌های ارتباطی، تلاش کرد تا کشتی را از صخره دور کند و وضعیت را تحت کنترل درآورد.

با تلاش‌های بی‌وقفه تیم، نرگس موفق شد سیستم هدایت کشتی را تعمیر کند و کشتی به آرامی به مسیر خود بازگشت. طوفان پس از مدتی فروکش کرد و وضعیت به حالت عادی برگشت. کاپیتان سهراب با نگاهی پر از قدردانی به تیمش گفت: "کار فوق‌العاده‌ای انجام دادید. مسئولیت‌پذیری و همکاری شما باعث نجات کشتی و محموله شد." نرگس با لبخند پاسخ داد: "این وظیفه ما بود. در شرایط بحرانی، مسئولیت‌پذیری هر عضو تیم، حیاتی است. با تلاش و همکاری، می‌توانیم بر هر چالشی غلبه کنیم."

پس از چند روز از آن حادثه، کشتی ناجی به جزیره رسید. همه مردم در اسکله منتظر بودند تا محموله را تحویل بگیرند. کاپیتان سهراب محموله را به مردم تحویل داد و بسیار خوشحال بود که توانسته اند به سلامت مأموریت خود را انجام دهند. مردم به سمت کشتی گل پرتاب می‌کردند و قدردان مسئولیت‌پذیری کشتی ناجی بودند. مردم قرص‌ها را بین ۹ بیمار تقسیم کردند.

این تجربه به تیم ناجی یادآوری کرد که مسئولیت‌پذیری و همکاری در شرایط بحرانی، کلید موفقیت و نجات کشتی و تیم است.



با توجه به متن، به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱. ماموریت کشتی ناجی چه بود؟

۲. بعد از چه مدتی از شروع سفر، کشتی در طوفان گرفتار شد؟ این زمان را به دقیقه نیز بیان کنید.

۳. نرگس گفت: مسئولیت پذیری هر عضو تیم، است.

۴. کشتی در کدام اقیانوس در حال حرکت بود؟

۵. چرا سیستم هدایت کشتی نیاز به تعمیر فوری داشت؟

۶. محموله شامل چه تعداد قرص بود؟ محاسبه کنید.

۷. کاپیتان مریم چگونه کشتی را از برخورد با صخره ها دور کرد؟

۸. واکنش مردم موقع تحویل محموله چه بود؟

۹. چه کسی محموله را به مردم داد و چه احساسی داشت؟

۱۰. به هر بیمار چه تعداد قرص رسید؟